به نام خدا

درس : روش تحقیق

مقطع: کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی

موضوع: سینما و ادبیات آمریکای لاتین

(سینمای جدید آرژانتین)

استاد مربوطه : آقای دکتر ناصر فکوهی

تحقیق و نگارش : مهدی دیهیمی

مردادماه ۱۴۰۰

آرژانتین مانند اکثر کشورهای آمریکای جنوبی تاریخ خونباری داشته، انواع کودتا،درگیری‌های داخلی و خارجی، تغییر خط مشی سیاسی، حزب‌ها و نظام‌های مختلف را به خود دیده است. در سالهای ۱۹۷۶تا ۱۹۸۳ حکومت نظامی در آرژانتین قدرت را به دست گرفته و جنگ *کثیف*[۱] شکل می‌گیرد و هزاران تن از شهروندان این کشور ربوده و در نهان به قتل می‌رسند. این حکومت صنایع ملی را خصوصی می‌کند و راه ورود فیلم‌های آمریکایی را به کشور می‌گشاید. درگیری و شکست حکومت برای تصرف جزایر *مالویناس* (فالکلند)[۲] که در تملک بریتانیا بود باعث سرنگونی حکومت می‌شود.

از اواخر دهه ۸۰ میلادی وضعیت این کشور رو به ثبات می‌رود. در انتخابات ۱۹۸۴ حکومت غیرنظامی روی کار می‌آید و فضای سیاسی و اجتماعی بازتر می‌شود. درسال ۱۹۹۶ پس از نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی مهمترین جشنواره‌ی سینمایی آرژانتین *ماردل پلاتا*[۳] احیا می‌شود. در سال ۱۹۹۸ مدیر بنیاد سینما *خولیو ماهاربیس* حمایت مالی از پروژه‌های در حال تولید را قطع می‌کند و به اختلاس محکوم می‌شود. این امر باعث شکل گرفتن جشنواره‌ی رقابتی فیلم کوتاه *لیبرتاد*[۴] می‌شود. این جشنواره که با استقبال روبه‌رو شد باعث شکل‌گیری ارتباط اولیه بین فیلمسازان جدید بود. *برونو استانیارو*[۵]،*آدرین کاریتانو*[۶] و همچنین *لوکرسیا مارتل*[۷] که سرمایه اولین فیلم بلندش ***باتلاق(مرداب)***[۸] را از طریق همین جشنواره جذب کرد.

به رغم تحسین و اقبال عموم از این فیلمسازان نمی‌توان آنها را تحت عنوان یک جنبش دسته بندی کرد و بخاطر اینکه آن‌ها از سنین مختلفی هستند نمی‌توان نام نسل نو را به آنها داد. اما دو گرایش در میان آنها وجود دارد، یکی بازآفرینی موج نوی فرانسه و دیگری تاثیرپذیری از نئورئالیسم ایتالیا است. ساخت فیلم با تجهیزات بسیار محدود، اجتناب از کلیشه های تلویزیونی، استفاده از چهره‌های جدید، دوربین روی دست، ترکیب سینمای مستند و داستانی، ثبت مستقیم واقعیت و پرهیز از داستانگویی است.

در سال‌های اولیه فیلم‌ها به محرومیت‌های اجتماعی سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای اطراف پایتخت می‌پرداختند. اما کمی بعد همانطور که *خولیو کورتاسار*[۹] در آثارش چشم‌اندازهای شهری را به تصویر می‌کشید. سینما هم در ادامه‌ی سنت ادبیات برجسته‌ی آرژانتین چشم‌اندازهای شهری را به تصویر می‌کشد. مثل فیلم *آنسوی بوئنس آیرس*[۱۰] ساخته‌ی *آلخاندرو آگرستی*[۱۱] که به گفته کارگردانش هدف از ساخت این فیلم گرفتن آینه‌ای در مقابل مخاطب و شهر است. فیلمی که سینماگران دیگر نیز از آن تاثیر گرفتند.

---

۱ Guerra Sucia(Dirty War)
۲ Falkland Islands(Islas Malvinas)
۳ Mar del Plata
۴ La Libertad
۵ Bruno Stagnaro
۶ Adrian Caetano
۷ Lucrecia Martel
۸ La Ciénaga (The swamp)
۹ Julio Cortazar
۱۰ Buenos Aires vice versa
۱۱ Alejandro Agresti

شاخصه‌ی دیگر این فیلمسازان به تصویر کشیدن اقلیت‌های قومی و طبقه کارگر، مطرودان در فیلم‌هایشان است. آن‌ها آرژانتین شناخته شده را به صورت گوناگون‌تر و نامتجانس‌تری از هویت ملی در آرژانتین را به تصویر می‌کشند. به علاوه برخی از این فیلم‌ها همچون فیلم‌های خود *مارتل* سعی بر واسازی و آشکارسازی هژمونی خانواده‌های طبقه متوسط یا بورژوا را دارند. طبقات اجتماعی‌ای که در آرژانتین امروز همچون کشورهای مستعمره دیگر سایه‌ی غول پیکر خود را همچون بختکی بر روی زندگی بومیان انداخته و با نادیده انگاشتن آنان تلاش بر پاک کردن تصویر آنان دارند.

بخشی از گسست سینماگران جدید آرژانتینی از نسل پیشین به نحوه‌ی تامین سرمایه باز می‌گردد.آنها ترجیح می‌دهند بدون وابستگی پولی فیلم بسازند.تاثیر ظهور دیجیتال در کم کردن هزینه‌ها قابل توجه بوده و امکان کارکردن با گروه های کوچک را فراهم ساخته که مطلوب تهیه‌کنندگان مستقل است. این امر زیبایی‌شناسی نوینی را با خود به وجود آورد.کمبود تجهیزات باعث شد فیلم‌ها حال و هوای آثار نئورئالیستی به خود بگیرند. بازیگران غیرحرفه‌ای، فیلمبرداری تک‌رنگ و نورپردازی مختصر به شیوه‌ی مستند.این جریان باعث تربیت ستارگان نوپا شد و نظام ستاره‌سازی جدیدی شکل گرفت.بازیگرانی مثل *لوئیس مارگانی*[۱]،*دانیل هندلر*[۲]، *دولورس فونسی*[۳]، *هکتور آنجلادا*[۴] که در اکثر آثار این فیلمسازان حضور داشته‌اند.

این کارگردانان به جای اینکه مستقیما از سیاست حرف بزنند، تمایل دارند که فیلم‌ها خود به مثابه عمل سیاسی وارد میدان شوند. یک نمونه فیلم *سیلویا*[۵] *پریتو* ساخته‌ی *مارتین رخمان*[۶] است که *بوئنوس آیرس*[۷] را همچون سیاست معاصر، تهی نشان می‌دهد. کارگردانان دیگری همچون *لئوناردو فابیو*[۸]، *اکتاویو ختینو*[۹]، *کارلوس سورین*[۱۰]، کسانی هستند که با اهداف یکسانی به فیلمسازی روی آورده‌اند. افشای آنچه پنهان است،آنچه ناگفته مانده،حمایت از کسانی که جایگاه خود را در جامعه از دست داده‌اند، با این استدلال که از طریق مشاهده‌ی چیزهای کوچک در زندگی روزمره می‌توان همه چیز را درک کرد.

ویژگی دیگر این آثار استفاده از زبان خاص جوانان حاشیه‌نشین است. برای نمونه در فیلم *پیتزا، آبجو، دودیجات*[۱۱] ساخته‌ی *برونو استانیارو* و *آدرین کاریتانو*، زبان جوانان حاشیه نشین آرژانتینی که در خیابان های اطراف پایتخت پرسه می‌زنند استفاده شده است. این زبان برای دانشگاهیان مبهم است و کار ترجمه را نیز دشوار ساخته. اما هیچکدام از این موارد مانع از موفقیت فیلم در جشنواره‌های جهانی نشد و فیلم جوایز معتبری را به خود اختصاص داد.

---

۱ Luis Margani
۲ Daniel Hendler
۳ Dolores Fonzi
۴ Hector Anglada
۵ Silvia Prieto
۶ Martin Rejtman
۷ Buenos Aires
۸ Leonardo Favio
۹ Octavio Getino
۱۰ Carlos Sorin
۱۱ Pizza,Beer,Cigarettes

مشخصه‌ی دیگر این آثار بیان یاس و ناامیدی است. شمار زیادی از این فیلم‌ها، گروهی از شخصیت‌های جوان را پیرامون مضامین بی‌حوصلگی، ناممکنی دستیابی به جایگاه شایسته در جامعه، دشواری زندگی زیر یک سقف، هراس از بزرگ شدن، شکل می‌گیرد. برای نمونه در فیلم *Waiting for the Messiah* ساخته‌ی Daniel Burman این مضامین دیده می‌شود. شخصیت‌ها (در سنین مختلف) به هم بر می‌خورند همدیگر را گم می‌کنند و در بوئنس آیرس سرگردانند بی‌آنکه معنایی برای زندگیشان پیدا کنند.

امروزه سینمای آرژانتین از سازوکار سینمای هالیوود استفاده می‌کند و خود را با معیارهای سینمای جهانی یا به اصطلاح جشنواره پسند، مثل فیلمنامه های پرداخت شده و مورد پسند عامه، تطبیق داده است و ویژگی مستقل بودن خود را از دست داده است. فیلم‌هایی مانند(2009) The Secret in Their Eyes و(۲۰۱۴) Wild Tales نمونه هایی از این نوع سینمای جشنواره پسند هستند. هرچند هنوزکارگردانانی هستند که ویژگی‌های منحصر به فرد در آثارش دیده می‌شود. مانند فیلم (۲۰۱۷)Zama ساخته‌ی *لوکرسیا مارتل* که هنوز ویژگی‌های سینمای مستقل در آثارش دیده می‌شود.

منابع

راهنمای سینمای آمریکای لاتین (مجید مصطفوی) نشر چشمه، ۱۳۹۵

مجله‌ی سینما ادبیات شماره-۷۶